



نقش حضرت خدیجه (س) در تبیین انفاق در صدر اسلام و انعکاس آن در عملکرد بانوان ابنیه ساز دوره صفوی

اسمعیل سخا¹ ID، امیر تیمور رفیعی² ID*، کیوان لولوئی³، سید حسن قرشیی کرین⁴

¹ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. sakhaesmaeil@yahoo.com
² *نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. amirteymour_rafiei@yahoo.com
³ استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. k.loloie@gmail.com
⁴ استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. shquorishi@gmail.com

چکیده

شناخت اهمیت انفاق در قرآن و روایات و نقش آفرینی خدیجه (س) در آستانه ظهور اسلام یکی از مسائل مهم در بازشناسی در جامعه اسلامی است؛ زیرا این مسئله به عنوان یکی از رویکردهای مثبت در جامعه اقتصادی در جهان اسلام مطرح بوده است و در ادوار مختلف تاریخ در عملکرد حکومت‌ها و افراد بازناتاب داشته است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای به شیوه تحلیلی-توصیفی، انجام شده است. خدیجه (س) با انفاق تمامی دارایش در راه گسترش اسلام بدون منت گذاشتن و چشم‌داشت از دیگران، هنر انفاق کردن و ایثار را در میان زنان ابنیه‌ساز عصر صفوی به ودیعه گذاشت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که حضرت خدیجه (س) با حمایت‌های مادی و معنوی خویش از محمد (ص) نقش مهمی را در تثبیت و گسترش اسلام ایفا نمود. به همین جهت، ایشان از انفاق‌کننده‌ترین افراد در زمان خود شناخته شده است. وی خانه و ابنیه خود را وقف فقرا، مستمندان نمود و برخی از زنان دوره صفوی نیز به تاسی از ایشان، ابنیه‌ی ارزشمندی را برای منفعت عمومی وقف کرده‌اند. خدیجه (س) به‌عنوان اولین زن مسلمان تمام ابنیه وسیع و زیبای خود را با تمام دارایش را در راه خدا بخشید و با این کار مهم توانست هنر انفاق کردن را در به همه زنان در همه عصرها به زیبایی بیاموزد، بنابراین، کار نیک ایشان در تاریخ ماندگار شد.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی مسئله انفاق در رفتار حضرت خدیجه (س).

۲. بررسی مسئله انفاق و ابنیه‌سازی در عملکرد زنان دوره صفوی.

سؤالات پژوهش:

۱. رویکرد حضرت خدیجه (س) چه تأثیری بر اهمیت مسئله انفاق در جامعه اسلامی داشت؟

۲. عملکرد زنان در دوره صفوی در ابنیه‌سازی چگونه بود؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۲۳۴ الی ۲۵۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

حضرت خدیجه (ص)،

هنر انفاق،

صدر اسلام،

زنان عصر صفوی.

ارجاع به این مقاله

سخا، اسمعیل، رفیعی، امیر تیمور، لولوئی،

کیوان، قرشیی کرین، سید حسن. (۱۴۰۰).

نقش حضرت خدیجه (س) در تبیین انفاق

در صدر اسلام و انعکاس آن در عملکرد

بانوان ابنیه ساز صفوی. هنر اسلامی،

۱۸(۴۱)، ۲۳۴-۲۵۱.



dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.41.14.3



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.237106.1285

مقدمه

مطالعه و بررسی تحولات مربوط به ابنیه‌سازی در جوامع اسلامی حاکی از پیشینه طولانی آن در جهان اسلام است. این مقوله ارتباط نزدیکی با سنت انفاق دارد که از اعمال مورد تحسین در جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مضامینی که بارها در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است، انفاق است. در برخی از آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) به موضوع انفاق پرداخته شده است. در این میان، یکی از شخصیت‌هایی از صدر اسلام به مسئله انفاق توجه داشت حضرت خدیجه(س) بود. از منظر قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، حضرت خدیجه(س) چگونه به این مهم پی برد و قبل از بعثت محمد(ص)، تمام اندوخته‌های خود را در راه بشریت و مردم تهیدست هزینه کرد و بعد از ازدواج با محمد(ص) نیز هدف و راه او را آن هم پانزده سال قبل از آغاز رسالت ایشان شناخت و همه دارایی‌ها خود را نیز در راه گسترش اهداف پیامبر انفاق نمود. این رویکرد تأثیر قابل توجهی در رونق و ترویج اسلام در نخستین سال‌های ظهور اسلام داشت. در طول تاریخ حکومت‌های حاکم بر جهان اسلام این رویکرد تداوم یافت و تبدیل به الگویی در بهبود شرایط اقتصادی و فرهنگی گردید. واکاوی عملکرد زنان در دوره صفوی حاکی از توجه آن‌ها به ابنیه‌سازی است. این پژوهش به دنبال واکاوی مسئله انفاق در صدر اسلام و چگونگی الگوبرداری از آن در دوره صفوی از سوی زنان دربار است. زنان بسیاری در عصر صفوی از انفاق و ایثار خدیجه(س) درس گرفته و فرهنگ و هنر انفاق و وقف را در جامعه خود جهت رضایت خداوند و رفاه حال عموم مردم به نمایش گذاشتند و نام آنان و خدمات ایشان در تاریخ هنر ماندگار گردید. ایشان سعی بر این دارند که بهترین و مناسب‌ترین ابنیه خود را مصروف عامه مردم نمایند که برخی از این بناهای اسلامی از نظر هنر تزئینات، وسعت، استحکام بنا، نقش‌های هندسی، نورپردازی و ... هنوز هم در دسترس و استفاده عموم می‌باشد.

در رابطه با ادبیات و پیشینه این پژوهش می‌توان گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، مقالاتی به بررسی مسئله مدرسه‌سازی زنان درباری دوره صفوی داشته است. مقاله‌ای با عنوان «نقش زنان بانی در گسترش معماری در عصر تیموری و صفوی» به قلم مهناز شایسته‌فر(۱۳۸۸) به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان در این پژوهش بر آن است که اکثر زنانی که در این دوره در عرصه معماری فعالیت داشتند از اعضای نزدیک پادشاه بودند و قدرت مالی کافی برای انجام این فعالیت‌ها داشته‌اند. با این حال، در این پژوهش به فراخور موضوع انتخابی آن به بحث انفاق و ابنیه‌سازی بر مبنای آن در دوره صفوی پرداخته نشده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقش فرهنگی زنان در دوره صفویه» توسط منتظرالقائم و شعبانی(۱۳۹۸) به رشته تحریر درآمده است و نویسندگان برآنند که زنان خانواده‌های طبقه بالا در زمینه وقف و مدرسه‌سازی نقش مهمی در این دوره تاریخی داشتند. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام شده است و در صدد است تا با واکاوی مفهوم و ماهیت انفاق در میان زنان مسلمان به بررسی مسئله انفاق و ابعاد مختلف آن در جامعه اسلامی بپردازد.

۱. انفاق

انفاق یعنی بخشش از چیزی که انسان در اختیار دارد و می‌تواند به دیگران بدهد. این چیز می‌تواند علم یا مال و ثروت و یا حتی انفاق محبت و همدلی و همدردی با دیگران باشد. انفاق از ریشه نفع در لغت به معنای اخراج مال از ملک (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲-۱/ ۱۲۱) و در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، اعطای چیزی از مال و غیر مال و از واجب و غیر واجب

است (اصفهانی، ۱۴۳۰، ذیل واژه نفق). در قرآن این مفهوم افزون بر واژه «انفاق»، با واژه‌های دیگری چون «اعطاء»، «ایتاء حق»، «ایتاء مال» و «صدقات» بیان شده است. انفاق به معنای اخراج چیزی و بخشش به دیگری، می‌تواند مالی و غیرمالی باشد.

این بخشش می‌تواند در جهت درست و نادرست نیز قرار گیرد؛ زیرا کسانی هستند که مال و ثروت یا علم و دانش خویش را برای پیشبرد کارهای زشت و نابهنجار و یا قتل و نابودی مردم و طبیعت هزینه می‌کنند و با کمک به اختراع سلاح‌های مرگبار، از خود و مال و جان خویش مایه می‌گذارند؛ بنابراین، نمی‌توان هرگونه انفاقی را مثبت ارزیابی کرد؛ بلکه تنها انفاقی مثبت و سازنده است که برای پیشبرد اهداف انسانی - الهی باشد و موجب کمالاتی در انسان و طبیعت شود. علی (ع) می‌فرماید: بی‌تردید انفاق مال در طاعت خدا بزرگ‌ترین نعمت و هزینه کردنش در معاصی بزرگ‌ترین مصیبت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۷۶). چنانچه با توجه به سوره بقره، آیه ۳ که می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» آن انفاقی، مثبت و مورد نظر قرآن است که در راستای کمالات الهی باشد. قرآن به این‌گونه انفاقات چه مالی و چه غیرمالی، ارزش و اهمیتی قائل شده و آن را در کنار نماز و عبادت خالص قرار داده و موجب رستگاری بشر دانسته است.

با توجه به این آیه، پس از اصل ایمان، اقامه نماز و انفاق از مهم‌ترین اعمال است. «یؤمنون... یقیمون... ینفقون» (در جامعه الهی که حرکت و سیر الی الله دارد، اضطراب‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی و کمبودهای معنوی، با نماز تقویت و درمان می‌یابد و خلأهای اقتصادی و نابسامانی‌های ناشی از آن، با انفاق، پُر و مرتفع می‌گردد). برداشت دیگری که از این آیه می‌شود اینکه، از هرچه خداوند عطا کرده (علم، آبرو، ثروت، هنر و...) به دیگران انفاق کنیم. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ ینفقون» امام صادق (ع) می‌فرماید: از آنچه به آنان تعلیم داده‌ایم در جامعه نشر می‌دهند. از مهم‌ترین آثاری که قرآن برای انفاق در امور خیر و نیک بیان نموده و مصادیق آن در انفاق خالصانه خدیجه (س) به‌روشنی مشهود است، عبارت‌اند از: انفاق در راستای تقویت بنیه نظامی و دفاعی جهت حصول امنیت اجتماعی، رفع مشکلات اقتصادی مردم و جامعه، آرامش درونی و روانی، دستیابی به مقام صالحان، مقام محسنان و نیکوکاران، بهره‌مندی از امداد خاص الهی، برخورداری از سود، بهره‌مندی از برکت الهی، تزکیه و خودسازی، تجارت زوال‌ناپذیر با خدا، بهره‌مندی از شکر الهی در قالب ازدیاد هویت وجودی، دستیابی به تقوای الهی، تکامل و رشد معنوی و هویتی، ره‌توشه سفر آخرت، جبران مال انفاقی از سوی خدا، جلب دعای خاص پیامبر، رحمت الهی، فلاح و رستگاری، مقام راست‌گویان و پرهیزگاران، فرجام نیک، بهره‌مندی از محبت خدا، مقام ابرار، مقام محبتین، جایگاه افراد متواضع، مقام رستگاری و نجات‌یافتگان.

انفاق هم‌ردیف ایمان به غیب است. خداوند در ابتدای سوره بقره آنجا که صفات متقین که بهره‌مند از هدایت قرآن هستند را برمی‌شمارد، می‌فرماید: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ ینفقون: آن‌ها که ایمان به غیب می‌آورند و نماز را به‌پای می‌دارند و آنچه روزی آنان کرده‌ایم انفاق می‌کنند (بقره/ ۳). هم‌ردیف جهاد باجان: انفاق مصادق و موردی از جهاد و در کنار جهاد باجان ذکر شده است: انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جِهَدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ: برای جنگ با کافران سبک‌بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا با مال و جان جهاد کنید (توبه/ ۴۱). علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: اللَّهُ، اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: خدا را، خدا را، بر شما باد در جهاد کردن با مال و جان و زبانتان در راه خدا (دستی، ۱۳۸۵: نامه ۴۷). انفاق یکی از ویژگی‌های متقین: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ ینفقون»؛ هدایت قرآن مخصوص متقین است همانا که ایمان به غیب می‌آورند و از آنچه روزی داده‌شده‌اند انفاق می‌کنند (بقره/ ۳-۲). «وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ ینفقون فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرِّ»؛

بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فراگرفته و مهیا برای پرهیزگاران است. آنهایی که مال خود به فقراء در حال وسعت و تنگدستی، انفاق کنند (آل عمران: ۱۳۴-۱۳۳). در همین رابطه رسول اکرم (ص) می‌فرماید: *بَذَلَ الْمَوْجُودُ زَيْنَهُ مُتَّقِينَ* است. بذل و بخشش دارائی آرایش و زینت متقین است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۷۷).

۲. آثار انفاق در روایات و احادیث

بررسی جایگاه انفاق در سنت و اندیشه پیامبر و ائمه حاکی از توجه آن‌ها به این مسئله است. برای نمونه، رسول‌الله (ص) گفته است: «ارض القیامه نار ما خلا ظلل المومن؛ فان صدقته تظله؛ زمین قیامت یکپارچه آتش است، مگر سایبان مؤمن، زیرا صدقه مؤمن او را در سایه خود می‌پوشاند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳/۴؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۱۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۷/۲۹۱). حضرت امام صادق (ع) درباره نقش رشد و نمو انفاق با آنکه ظاهر انفاق همان اخراج مال است، فرموده است: انفق و ایقن بالخلف؛ از مال خود را در راه خدا هزینه کن و یقین داشته باش که آنچه را هزینه کرده‌ای جایگزین دارد (شعیری، ۱۲۶۷: ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۰/۹۳). امام صادق (ع) در روایتی از آثار ترک انفاق و بخل و پیامد آن می‌فرماید: «ملعون من وهب الله له مالا فلم يتصدق منه بشيء»؛ از رحمت خدا به دور است کسی که خدا مالی به او بخشیده و اما او چیزی از آن را صدقه نداده است (حر عاملی، ۱۳۰۸: ۱۶/۲۸۰). رسول خدا (ص) نیز از آثار بد ترک انفاق می‌فرماید: «من منع ماله من الاخیار اختیاراً صرف الله ماله الی الاشرار اضطراراً»؛ کسی که از هزینه کردن مالش به اختیار خود برای خوبان امتناع کند، خدا مالش را به ناچار مصرف بدن خواهد کرد (شیخ الاسلامی، ۱۴۲۸: ۷۰). خداوند در سوره اسراء، آیه ۲۹ درباره میانه‌روی در انفاق به پیامبرش می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا»؛ و نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم به گردنت بسته دار و نه بسیار باز و گشاده دار که (هرکدام کنی) به نکوهش و درماندگی خواهی نشست. حضرت سجاد (ع) نیز بر اساس این اصل قرآنی و میانه‌روی در انفاق فرموده است: «ان من اخلاق المومن الانفاق علی قدر الاقتار»؛ بی‌تردید از خصلت‌های مؤمن هزینه کردن مال در حد تنگدستی است (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۴۱؛ حرانی، ۱۳۷۴: ۲۸۲). امام رضا (ع) از قول جد بزرگوارش رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «خیر مال المرء و ذخیره الصدقه»؛ بهترین ثروت و ذخیره انسان صدقه‌ای است که در راه خدا می‌دهد (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۶: ۲/۲۰۸). امام رضا (ع) در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ألخلق عیال الله فأحبهم الی الله عزوجل أنفقهم لعیاله»؛ همه‌ی انسان‌ها، عیال خدای بزرگ هستند و کسی در پیشگاه او محبوب و عزیز است که انفاق و بخشش بیشتری به عیال خدا انجام دهد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۸/۹۶).

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ثقلوا موازینکم بالصدق»؛ سنگین کنید ترازوهای خود را با صدقه دادن (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۰/۳). امام علی (ع) در حدیثی دیگر می‌فرماید: «أعطاء هذا المال فی حقوق الله فی باب الجود»؛ بخشش و مصرف مال در راه خدا و ادای وظایف از آثار و نتایج جود است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷/۲). رسول خدا (ص) می‌فرماید: «من تصدق بصدق علی رجل مسکین، کان لیس مثل أجره، ولو تداولها أربعون ألفاً انسان ثم وصلت الی مسکین کان لهم اجراً كاملاً و ما عند الله خیر و أبقى للذین اتقوا و أحسنوا لو كنتم تعلمون»؛ هر کس مال صدقه را به مسکین برساند همانند صدقه دهنده اجر برد و اگر صدقه چهل هزار دست بگردد تا به دست مسکین رسد، همه اجر کامل صدقه را خواهند برد و آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است برای آنان که پرهیزگار بوده و نیکی کرده‌اند اگر دانسته باشید (صدوق، ۱۳۷۸: ۶۷۳).

امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده است: «لَوْ جَرَى ثَوَابُ الْمَعْرُوفِ عَلَى ثَمَانِينَ كَفًا لَأَجْرُوا كُلَّهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ صَاحِبِهِ مِنْ أَجْرِهِ شَيْئًا»؛ اگر صدقه و نیکی در حق دیگر به هشتاد دست بگردد همه ثواب یابند بدون اینکه از اجر صاحبش چیزی کاسته شود (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۱۵). از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلُهُ»؛ کسی که به کار خیری راهنمایی می‌کند مثل کسی است که آن کار خیر را انجام داده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۹۶). رسول خدا (ص) در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مَنْ مَشَى بِصَدَقَةٍ إِلَى مُحْتَاجٍ كَانُ لَهُ كَأَجْرِ صَاحِبِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ أَجْرَهُ شَيْءٌ»؛ کسی که صدقه‌ای را به محتاجی برساند اجر و پاداشش مانند کسی است که اصل مال را بخشیده، بدون اینکه از پاداش بخشنده چیزی کم شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۹۶).

ابو بصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: «الْمُعْطَمُونَ ثَلَاثَةٌ: اللَّهُ الْمُعْطَى وَالْمُعْطَى مِنْ مَالِهِ وَالسَّاعِي فِي ذَلِكَ مُعْطٌ»؛ عطاکنندگان سه گروه‌اند: خدای بخشنده، آنکه مالش را می‌بخشد و ساعی که در این جهت تلاش می‌کند نیز بخشنده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۹۶). امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «الْمُعْطَمُونَ ثَلَاثَةٌ: اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَصَاحِبُ الْمَالِ وَالَّذِي يَجْرِي عَلَى يَدِهِ»؛ ۱. خدای بزرگ ۲. صاحب مال ۳؛ و آن کسی که صدقه و بخشش با همت و تلاش او به مستحقان آن می‌رسد (همان).

بهترین مصارفی که در آیات و روایات برای انفاق مالی بیان شده عبارت‌اند از: از نظر قرآن انفاق مالی نسبت به والدین فقیر، جزو واجبات است؛ یعنی در حکم واجب النفقه خواهند بود. از این رو، هم آنان در اولویت هستند و هم ضروری است که به آنان کمک شود (بقره/ ۲۱۵). ارحام و ذوی القربی (خویشاوندان): از مهم‌ترین موارد مصرف انفاقات مالی، خویشاوندان هستند. هر چه شخص به انسان نزدیک‌تر باشد، وظیفه و تکلیف، شدیدتر و سخت‌تر خواهد بود. انسان باید اول به حکم وظیفه انفاقات مالی واجب را درباره خویشان واجب النفقه انجام دهد و سپس خویشان نیازمند. خداوند در قرآن بر این مورد مصرف بسیار تأکید نموده است (بقره/ ۱۷۷؛ نساء/ ۸؛ اسراء/ ۲۶ و ۲۸). رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الْصَّدَقَةُ عَلَى مَسْكِينٍ صَدَقَةٌ وَهِيَ عَلَى ذِي رَحْمٍ صَدَقَةٌ وَصَلَةٌ: كَمَكٌ بِهٖ مَسْكِينٌ صَدَقَةٌ»؛ صدقه است و هم صلح‌رحم. خدیجه (س) برای تحقق این امر مهم وقتی دید که خواهرش هاله، شوهر خود را از دست داده و فرزندان یتیم شده‌اند، با تمام توان فرزندان خواهرش را سرپرستی نموده و حتی بعد از ازدواج با محمد (ص) نیز دست از حمایت آنان برنداشت و تا بزرگسالی آنان را هدایت و رهبری نمود.

فقر در لغت به معنی حاجت است: فقیر یعنی حاجتمند و مستمند. مسکین از سکون است یعنی در مانده، در قرآن کریم فقراء و مساکین فقط در آیه ۶۰ سوره توبه هم ردیف هم ذکر شده‌اند و همین باعث اختلاف شده که آیا هر دو در یک صف‌اند و یا در دو صف جداگانه‌اند (قرشی بنایی، ۱۳۰۷: ۲۸۵/۳)؛ و یا به روایت دیگر، فقیر کسی است که از نظر اقتصادی درآمدی دارد ولی این درآمد نمی‌تواند او را سرپا نگه دارد؛ در حقیقت اقتصاد که قوام فرد و جامعه و ستون خیمه خانواده و جامعه است (نساء، آیه ۵)، در شخص فقیر ضعیف و سست است و درآمد، کفاف خرج و هزینه‌هایش را نمی‌دهد و لذا نیازمند کمک و انفاقات مالی دیگران است تا سرپا بماند؛ اما مسکین کسی است که نشسته و توان حرکتی ندارد چه رسد که سرپا بماند. وضعیت او بدتر از فقیران است؛ بنابراین، اگر وضعیت فقیر همانند وضعیت کسی است که نیازمند نصرت است، وضعیت مسکین همانند وضعیت کسی است که نیازمند ولایت و سرپرستی است، پس مسکین، نیازمند سرپرستی دیگران است تا از عهده مخارج خود برآید؛ چراکه هیچ درآمدی ندارد و یا توان آن را ندارد تا در پی کسب و کاری برود و درآمدی داشته باشد. بر این اساس باید گفت نخستین و برترین مورد انفاق آن است که انسان به چنین شخصی کمک کند و او را تحت ولایت انفاقی خود بگیرد (بقره/ ۲۱۵ و ۱۷۷؛ نور/ ۲۲؛ نساء/ ۸؛ روم/ ۳۸).

در دوران جاهلیت خدیجه (س) عادت داشت که به فقرا و مستمندان کمک نماید و به همین جهت یتیمان او را «أُمُّ الیتامی» بینوایان او را «أُمُّ الصعالیک» لقب داده بودند (مهدی پور، ۱۳۸۶: ۱۵). حفظ امنیت جامعه، از امنیت فردی مهم‌تر و بنیادی‌تر است. از این رو، انفاق مالی برای تجهیز نفرات و ادوات بسیار مهم و اساسی است. خداوند در آیات قرآن، یکی از مصارف انفاقات مالی را جهاد دانسته و از آن به جهاد مال تعبیر کرده است (انفاق/ ۶۰؛ بقره/ ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۱۹۳ و ۱۹۵). سبیل‌الله: هر راهی است که رضای خدا در آن باشد: مثل کشته شدن در راه خدا، بخشش مال در راه خدا هجرت در راه خدا (قرشی بنایی، ۱۳۰۷: ۳/ ۲۲۴). سبیل‌الله هر کاری است که نتیجه و فایده آن به اسلام و مسلمین برگردد و مصالح دین حفظ شود، از نمونه‌های بارز راه خدا، جهاد فی سبیل‌الله است که سایر کارهای عام‌المنفعه و همه‌گیر تحت این عنوان است مثل راه‌سازی و تعمیر و اصلاح جاده‌ها و ساختن پل‌ها و امثال این‌ها (طباطبائی، ۱۳۶۰: ۱۹/ ۳۲۶).

درخواست‌کنندگان و سائلان: لزوم صرف مال، در راه رفع نیازمندی سائلان در آیه ۱۷۷ سوره بقره مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس همین آیه انفاق مال به درخواست‌کنندگان از نشانه‌های صداقت انسان است و خداوند در آیات ۱۵ تا ۱۹ سوره ذاریات آن را به‌عنوان حق بر عهده افراد دارا دانسته است؛ به این معنا که سائلان در مال انسان شریک به شراکت مشاع هستند و باید این حق پرداخت شود.

در راه ماندگان و ابن‌سبیل: و ابن‌السبیل کسی است که از وطنش دور مانده است و چنان‌که مفسرین می‌گویند، مسافری است که از خانواده و مال خود دستش کوتاه هست (طالقانی، ۱۳۴۲: ۲/ ۲۴۶). علامه طباطبائی می‌فرماید: ابن‌السبیل کسی است که بین او و وطنش فاصله افتاده و فاقد چیزی است که زندگی‌اش را بگذراند گرچه در وطنش ثروتمند و در گشایش است (طباطبائی، ۱۳۶۰: ۱۹/ ۳۲۶). از دیگر موارد مصرف انفاقات مالی، در راه ماندگان هستند. خداوند انفاق مال را به در راه ماندگان از نشانه‌های تقوا و موجب رسیدن به مقام «بر» دانسته است (بقره/ ۲۱۵ و ۱۷۷؛ اسراء/ ۲۶ و ۲۸). فقیران عقیف: فقیران خویش‌دار و ناتوان از کسب، از مصارف انفاق است (بقره/ ۲۷۳). ایتمام: از دیگر موارد مصرف انفاقات مالی، یتیمان ناتوان است (بقره/ ۲۱۵ و ۱۷۷؛ نساء/ ۸). سرپرستی ایتمام و خدمت به آنان، یکی از اعمال بسیار نیک و پسندیده‌ای است که در اسلام به آن توصیه و تأکید شده است و رسول خدا (ص) درباره یتیمان می‌فرماید: «مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا وَكَفَلَ نَفَقَهُ كُنْتُ أَنَا وَهُوَ فِي الْجَنَّةِ كِهَاتَيْنِ وَ قَرْنَ بَيْنَ أَصِيعِيهِ الْمُسْحَةِ وَالْوَسْطِي»؛ کسی که یتیمی را سرپرستی کند و خرجی او را به عهده گیرد، من و او در بهشت مانند دو انگشت وسطی و مسبحة نزدیک هم خواهیم بود (قمی، ۱۴۰۲: ۲/ ۷۳۱). مهاجران فقیر: لزوم توجه توانگران به مهاجران نیازمند و انفاق به آن‌ها در آیات قرآنی به‌عنوان یکی از موارد مصرف انفاقات مالی مطرح شده است (بقره/ ۲۷۳؛ نور/ ۲۲). عاملین: عاملین به مجموعه کارگزاران مشغول در امر جمع‌آوری صدقات و خیرات اطلاق می‌شود که به‌عنوان واسطه بین افراد خیر و نیازمندان انجام فعالیت می‌نمایند و در این خصوص حق‌الزحمه دریافت می‌کنند. آزادی‌بندگان (فی الرقاب): معنی لغوی رقبه، گردن است که اصطلاحاً در متعارف، مراد از آن کنیز و غلام هست. یکی از مصارف صدقات واجب و مستحب، آزاد کردن بنده مؤمن است که مصداق عمده آن در همان آزادی غلامشان کنیزان است ولی مفهوم کلی آن عمومی و انسان شمول است. گردن‌های که خداوند آزاد و راستشان آفرید و نظامان واژگون بشری، آن‌ها را خمانده و به بند کشیده است. کمک به قرض‌داران (غارمین): غرم بر وزن قُفْل ضرر مالی است که بر اثر حادثه و بلایی عارض مال و ثروت می‌شود بدون اینکه صاحبش خیانتی کرده باشد. قرض‌الحسنه: قرض‌الحسنه نوعی انفاق و ثواب دارد، هر کس به ثواب علاقه‌مندان است به دادن قرض‌الحسنه اقدام کند خدا چیزی برای او عوض می‌دهد و با اینکه اصل پول از آن اوست مثل انفاق و بلکه خود نوعی انفاق است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

انفاق رکنی از ایمان است و خداوند در قرآن، در جاهای متعدد، آنجا که مؤمن را معرفی می‌کند، انفاق را یکی از ارکان مؤمنان می‌داند، چنانچه در سوره انفال، آیه ۲ و ۳ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ لَمَّا وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يَفِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ مؤمنان حقیقی آنان‌اند که چون ذکری از خدا شود دل‌هایشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آن‌ها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند. آنان که نماز را به پا می‌دارند و از هر چه روزی آن‌ها کرده‌ایم انفاق می‌کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این دو آیه ۵ رکن و پایه برای ایمان مؤمن ذکر شده یکی از آن‌ها انفاق است. در دنباله همین آیه خداوند می‌فرماید: «أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا: آن‌ها همان مؤمنان حقیقی هستند. در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ: همانا مؤمنان کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعداً هیچ‌گاه شک و ریب به دل راه ندادند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند اینان به حقیقت راست‌گو هستند (حجرات/ ۱۵).

۳. انفاق خدیجه (س) و ویژگی‌های آن

حضرت خدیجه (س) به آن درجه معنویت رسیده بود که دل از مال دنیا بریده و تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کرد، به‌گونه‌ای که مصداق کامل و بارز آیه شریفه ۲۶۲ سوره بقره: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» است که می‌فرماید: آنان دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند؛ آنگاه از پی آنچه انفاق نموده‌اند، نه منتی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند، (اینان) پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. ایثار حضرت خدیجه (س) در صرف اموال خود برای پیشبرد دعوت الهی پیامبر (ص) سرمشق زنان مسلمان گشت و آنان در مقاطع مختلف دوران هجرت، با اهدای اموال و زیورآلات خویش، بنیة‌های اقتصادی دولت تازه تأسیس مدینه را تقویت کردند و آن را از تنگنای مالی نجات دادند و با ایثارگری خود، در حل مشکلات اقتصادی مدینه قدم برداشتند؛ از نمونه‌های بارز این تأسی به حضرت خدیجه (س) فداکاری «رمله» دختر حارث بن ثعلبه است که خانه وسیع و نزدیک به مسجد خودش را در اختیار رسول خدا (ص) گذاشت و آن منزل به جهت موقعیت مناسبی که داشت، مورد استفاده‌های متفاوتی مانند مهمان‌سرای حکومتی و محل ملاقات حضرت با روسای قبایل قرار گرفت (ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۱۵/۶).

حضرت خدیجه (س) به‌عنوان یکی از برترین بانوان عالم، دین‌داری خالص بود. یکی از جنبه‌های دین‌مداری از نگاه قرآن کریم جهاد است. جهاد باجان و مال! همچنان که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات/ ۱۵). مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آن‌ها راستگویانند». اگر از این منظر به حضرت خدیجه (س) نگاه کنیم قطعاً ایشان الگویی شاخص و تمام‌عیار برای جهاد با اموال هستند، زیرا بخشش ایشان در راه ابقاء دین اسلام بزرگ‌ترین کمک به پیامبر گرامی اسلام در راه تبلیغ بود. قرآن درباره‌ی کسانی که قبل از فتح و بعد از فتح انفاق می‌کنند می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتِلٍ» (حدید/ ۱۰)؛ یعنی اینکه: چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود نمی‌برد)؛ کسانی که قبل از پیروزی، انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آن‌ها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. این «قَبْلِ الْفَتْحِ»،

قبل از فتح مکه است؛ یعنی قبل از آنکه شهر مکه در اختیار پیغمبر قرار بگیرد و زندگی‌ای، راحتی، حکومتی، تسلطی، قدرتی در اختیار آن بزرگوار باشد؛ ایشان در نهایت شدت، هم مالشان راه، هم جانشان راه، هم راحتشان را انفاق کردند. در این آیه، خداوند بین کسانی که قبل از فتح مکه و بعد از تشکیل حکومت توسط حضرت رسول در مدینه و مکه، انفاق نموده‌اند، تفاوت قائل است، اگرچه برای هر کدام از آن‌ها پاداش نیکی را در نظر گرفته است و این آیه به انفاق حضرت خدیجه (س) اختصاص دارد، چراکه وی بدون هیچ چشم‌داشتی و طلب آسایش و آرامشی این بخشش و انفاق را انجام داد و بعد از حدود ۲۵ سال تحمل رنج و سختی و باوجود داشتن آن‌هم مکنّت و سرمایه، در روزهای آخر عمر شریفش جز یک زیرانداز کهنه و روانداز، چیزی نداشت. اینجاست که نهایت و اوج اخلاص و ایثار در انفاق ایشان مشخص می‌شود، نه اینکه از کرده خود پشیمان نیست، بلکه در پایان عمر، از کوتاهی‌های خود در برابر رسول خدا (ص) عذرخواهی هم می‌نماید. به همین جهت است که خداوند، بین ایثار و انفاق افراد تفاوت قائل می‌شود.

۴. بانوان ابنیه ساز عصر صفوی

در عصر صفوی به علت گسترش مذهب تشیع، برخی از زنان خاندان سلطنتی و یا دیگر بزرگان و حتی عوام به تأسی از حضرت خدیجه (س) مادر ام‌الائمّه در امور عام‌المنعفه مشارکت محسوسی داشته‌اند که تعدادی از این مدارس و یا مراکز علمی و معنوی که تا به حال بناهای آن باقی مانده است عبارت‌اند از: مدرسه دلارام خانم (جده کوچک) - مدرسه حوری نام خانم (جده بزرگ) - مدرسه زینب بیگم اردستانی (نیم آورد) - مدرسه عزت نسا خانم (میرزا حسین) - مدرسه مادر شاه (مدرسه چهارباغ)

۱.۴. مدرسه دلارام خانم (جده کوچک)

دلارام خانم مادر بزرگ شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هـ ق) اقدام به بنای یکی از مدارس آن دوره نمود که هنوز هم جزء نهادهای آموزشی مهم و مؤثر به حساب می‌آید و به‌خصوص این‌که در تعلیم فقه شیعه اشتهار دارد. هرچند دلارام خانم جده بزرگ‌تر شاه‌عباس دوم است، اما چون مدرسه‌ای که بانی آن بوده کوچک‌تر از مدرسه‌ای است که به همین عنوان، یعنی جده و در نزدیکی این مدرسه قرار دارد و آن‌هم در بازار بزرگ اصفهان واقع شده است، لذا مدرسه منسوب به او را جده کوچک می‌نامند (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۶۶). ایشان به‌عنوان پشتوانه برای این نهاد آموزشی وقفیاتی نیز مقرر کرده که برخی از دکانین و مغازه‌های قسمتی از بازار بزرگ اصفهان از آن جمله‌اند (بلاغی، ۱۳۶۹: ۱۲۲). این مدرسه که در قسمتی از بازار اصفهان موسوم به قهوه کاشی‌ها قرار دارد. سنگ مرمری به خط ثلث سفید به دیوار یکی از غرفه‌های حیاط دوم این مدرسه نصب شده است که حاوی تاریخ اتمام این نهاد آموزشی به سال ۱۰۵۷ هـ ق است. این مدرسه مشتمل بر دو طبقه و دارای سی و پنج حجره است که شانزده حجره آن در طبقه همکف و نوزده حجره آن در طبقه فوقانی قرار دارد. در حاشیه کتیبه سردر مدرسه و پشت بغل‌های اطراف عمارت دو طبقه آن تزئینات کاشی‌کاری وجود دارد که به خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی‌رنگ به قلم محمدرضا امامی و به سال ۱۰۵۶ هـ ق نوشته شده است. در کتیبه سردر مدرسه به غیر از تجلیل از شاه‌عباس دوم و ذکر نام بانی آن، یعنی دلارام خانم، به مسئله وقف این مدرسه جهت طلاب شیعه اثنی عشری نیز اشاره شده است.



تصویر ۱: تصویر مدرسه دلارام خان، دوره صفوی، در شهر اصفهان. (منبع: نگارنده).

این مدرسه هم‌اکنون نیز طلبه‌نشین و تحت پوشش مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان است. از جمله مدرّسان گذشته این مدرسه سیدحسین مدرس بوده است (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۶۷-۱۶۶). سنگ‌نوشته وقف‌نامه به طول ۹۵ و عرض ۷۰ سانتی‌متر است و همان‌طور که ذکر شد مربوط به ذی‌حجه سال ۱۰۵۷ ق. است. دو مواد از این وقف‌نامه به شماره ثبتی ۱۰۶ در بایگانی اداره کل اوقاف اصفهان موجود است که یکی بر روی کاغذ سفید مایل به زرد و دیگری بر روی کاغذ آبی نوشته شده است (جعفریان، ۱۳۷۵: ۹۷-۹۵).

۲.۴. مدرسه حوری خانم (جده بزرگ)

این مدرسه در بازار بزرگ شهر اصفهان واقع است. در این بازار دو مدرسه طلبه‌نشین از زمان شاه‌عباس دوم وجود دارد که یکی از آن‌ها را مدرسه جده بزرگ و دیگری را مدرسه جده کوچک می‌نامند. مدرسه‌ای را که بزرگ‌تر است جده کوچک شاه بنا کرده اما امروز اطلاق کلمه بزرگ و کوچک از طرف عموم مردم برحسب وسعت بناست. به این ترتیب که مدرسه بزرگ‌تر را مدرسه جده بزرگ و مدرسه کوچک‌تر را مدرسه جده کوچک می‌نامند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۵۵۳).



تصویر ۲: تصویر مدرسه حوری خانم. مربوط به دوره صفوی، در اصفهان. (منبع: نگارنده)

در عهد صفویان این مدرسه مورد توجه علما و دانشمندان و محل تعلیم و تعلّم و آموزش علوم شیعی به‌خصوص فقه و اصول بوده است، به‌طوری‌که میرزا طاهر نصرآبادی (متوفی ۱۱۰۰ ه.ق) از آقا حسین خوانساری نام‌برده که در این نهاد آموزشی به درجات عالی علمی رسیده و در مورد او آورده است: «... تدریس و تولیت مدرسه

جده صاحب قرانی شاه‌عباس ثانی با ایشان است و عمده فضلا در حاشیه درس آن قبله عرفا حاضر شده و استفاده می‌نمایند» (نصرآبادی، بی‌تا: ۱۵۲). این وقف نامه در سال ۱۰۵۷ ق به دستور «حوری نام خانم» جده شاه‌عباس ثانی در حاشیه متن وقف نامه تنظیم و ضبط شده است (جعفریان، ۱۳۷۵: ۹۹-۹۸). این نهاد آموزشی از جمله مدارس مفید و مؤثر در حوزه علمیه اصفهان بوده و هست. برخی از علمای معاصر مانند آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب، آیت‌الله حاج میرزاعلی آقا شیرازی و آیت‌الله شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی در آنجا مجلس وعظ و اخلاق و نیز حضور داشته‌اند (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۷).

۳.۴. مدرسه زینب بیگم اردستانی (نیم آورد)

زینب بیگم اردستانی از جمله زنانی است که در اواخر عهد صفوی یعنی زمان سلطنت شاه سلطان حسین اقدام به تأسیس مدرسه دینی کرده است؛ هرچند که به نوشته مرحوم دکتر لطف‌الله هنرفر، برخی نیز بر این اعتقاد هستند که بنای مدرسه نیم آورد مربوط به اواخر دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه.ق) است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۶۷۹).



تصویر ۳: مدرسه نیم آورد (زینب بیگم). مربوط به دوره صفوی. شهر اصفهان. (منبع: نگارنده)

این مدرسه علمیه که تاکنون پابرجاست، برکات زیادی خصوصاً برای دانش‌های شیعی از جمله فقه و اصول داشته است (ریاحی، ۱۳۸۵: ۱۲۰ و ۲۶۸-۲۷۰). زینب بیگم خود نیز از خاندانی علمی و معنوی و دختر امیر محمد اردستانی معروف به شیخ الاسلام و همسر امیر محمد مهدی حکیم‌الملک اردستانی بوده است (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۹۴-۱۹۲). نام دیگر این نهاد آموزشی نیم‌آورد یا نیم‌آور است که در محله‌ای به همین نام و در یکی از فرعی‌های بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. شاردن فرانسوی که در عهد شاه سلیمان صفوی در اصفهان به سر می‌برد، این محله را یکی از پرجمعیت‌ترین و معروف‌ترین محلات اصفهان دانسته است (شاردن، ۱۳۳۸: ۲۱). هزینه ساختمان و بنای این مدرسه بزرگ و زیبا را ناشی از بخشش‌های اورنگ‌زیب، پادشاه هند، به زینب بیگم و شوهرش حکیم‌الملک اردستانی می‌دانند (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۰۶).

تولیت این مدرسه علمیه در زمان تأسیس به عهده «میرزا رشید» بوده و زینب بیگم، بانی مدرسه، پس از اتمام بنای آن به میرزا رشید سفارش می‌دهد رقباتی را در اصفهان و اردستان جهت مدرسه خریداری کند و آن را بر مدرسه و طلاب آن وقف نماید. در همان سال این املاک و مستغلات وقف بر مدرسه می‌شود که برخی از آنها در محلاتی از اردستان و چند مغازه نیز در بازار نیم‌آورد اصفهان بوده است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۰۶). مدرسه نیم‌آورد از لحاظ تزیینات فراوان کاشی‌کاری و گچ‌بری نیز دارای اهمیت است؛ و آنچه به خصوص جالب توجه است آنکه استادان

هنرمندی که در این بنا کار کرده‌اند به وسیله گچ‌های رنگارنگ نوع مخصوصی از معرق را ترتیب داده‌اند که در ابنیه تاریخی دیگر اصفهان در عصر صفوی نظیر ندارد (ریاحی، ۱۳۷۵: ۶۸۰). این مدرسه علمیه سبب رشد استعداد های بسیار درخشانی در علوم اسلامی از جمله: آیت‌الله میرزا بدیع درب امامی (متوفی ۱۳۱۸ ق)، آخوند ملا عبدالکریم گزی (متوفی ۱۳۳۹ ق)، آیت‌الله العظمی سید محمدباقر درچه‌ای (متوفی ۱۳۴۲ ق)، آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی طباطبایی (متوفی ۱۳۸۰ ق) و استاد جلال‌الدین همایی (متوفی ۱۴۰۰ ق) گردید (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۹۳).

۴.۴ مدرسه عزت نسا خانم (میرزا حسین)

در دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی، بانویی به نام عزت نسا خانم، دختر میرزا خانا، تاجر قمی که شوهر خود را میرزا مهدی معرفی نموده، بانی و واقف مدرسه علمیه در جهت ترویج مذهب اهل بیت و ترویج معارف شیعه امامیه گردید که امروزه این مدرسه به میرزا حسین اشتهار یافته است. این مدرسه اگرچه از نظر مساحت و زیربنا کوچک است، اما از بناهای زیبا و مجللی است که در این عصر بین سال‌های ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ ق. در اصفهان ایجاد شده و در بازار محله بیدآباد و در مجاورت مسجد سید واقع شده است (ریاحی، ۱۳۷۵: ۲۲۲).



تصویر ۴: تصویر مدرسه عزت نساخانم. مبط به دوره صفوی. در شهر اصفهان. (منبع: نگارنده)

تولیت مدرسه ابتدا به عهده آقا حسین خوانساری (متوفی ۱۰۹۹ ق) بوده است که در هنگام ساختمان مدرسه در گذشته و امر تولیت آن به پسرش، آقا جمال‌الدین محمد (متوفی ۱۱۲۵ ق) رسیده است. میرزا حسین ظاهراً از اولاد و یا احفاد میرزا مهدی و عزت نسا خانم بوده است که پس از فتنه افغان، متصدی تعمیر مدرسه و ساکن نمودن طلاب در آن می‌گردد و به این صورت نهاد آموزشی مذکور کم‌کم به نام او شهرت یافته است (ریاحی، ۱۳۷۵: ۲۲۲).

۵.۴ مدرسه مادر شاه (مدرسه چهارباغ)

این مدرسه علمیه اگرچه به نام‌های «چهارباغ» و «سلطانی» نیز نامیده شده، اما به دلیل پشتوانه‌های بسیار مهم و قابل اعتنایی که مادر سلطان حسین صفوی، آخرین پادشاه رسمی این سلسله، برای این مدرسه مقرر کرده، به مدرسه مادرشاه هم معروف گردیده است. مدرسه مادرشاه یا چهار باغ اصفهان را به تحقیق می‌توان نمونه‌ای از یک نهاد آموزشی در زمان خود دانست. این مدرسه آخرین بنای تاریخی باشکوهی است که در عهد صفویه برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی از سال ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ه. ق ساخته شده است (هنر فر، ۱۳۷۲: ۸۹). این مدرسه با گذشت سه قرن

هنوز روح معنوی، عظمت هنری و طبیعت با طراوت خود را حفظ کرده است، به طوری که وجود اشجار کهن سال، به خصوص چنارهای تنومند و نهر آبی که از وسط مدرسه می‌گذرد صفای خاصی به این بنای ارزشمند بخشیده است (ریاحی، ۱۳۸۵: ۲۰۰). حدود یک قرن پیش جهانگردی فرنگی عظمت این مکان را با وجود صدماتی که بر این بنا خاصه در زمان فتنه افغان و بعد از آن رفت، این‌گونه ستوده است: آیا در سراسر جهان مدرسه‌ای می‌توان یافت که در زیبایی و صفا از این کامل‌تر باشد و در آن اجزاء و عناصر گوناگون بدین‌سان به هم درآمیخته و درهم ترکیب و ذوب شده و اثری واحد پدید آورده باشد؟ (آنه، ۱۳۶۸: ۱۶۴).



تصویر ۵: تصویر مدرسه مادرشاه در اصفهان. دوره صفوی. (منبع: نگارنده)

راجر سیوری که از صاحب‌نظران تاریخ ایران به خصوص دوره صفویه است، آن را باشکوه‌ترین بنایی می‌داند که به دست جانشینان شاه‌عباس اول در اصفهان ساخته شده است (سیوری، ۱۳۶۳: ۱۶۵). یکی از اندیشمندان تاریخ علم و تمدن در اسلام، این مدرسه را حاصل شکوفایی سازمان‌های تعلیماتی شیعه و جزو شاهکارهای هنر اسلامی می‌داند جذابیت و شکوه این نهاد آموزشی از جهات مختلف در بینندگان خود آن قدر تأثیر گذاشته و می‌گذارد که هیچ‌یک از بناهای تاریخی اصفهان به اندازه این بنا شور و شوق شاعرانه جهانگردان اروپایی را برنمی‌گذاشته است. به‌عنوان مثال دیر لافوا، گوپینو و فلاندن این بنا را بسیار دلپذیر، جذاب و سحرآمیز توصیف کرده‌اند (ریاحی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). این مدرسه را به نام‌های مختلف خوانده‌اند. از نظر اینکه در قسمت شرق خیابان چهارباغ واقع شده است آن را «مدرسه چهارباغ» گفته‌اند؛ و به علت این که به فرمان شاه سلطان حسین صفوی احداث شده است «مدرسه سلطانی» نامیده‌اند؛ و از جهتی «مدرسه مادر شاه» هم گفته‌اند بدین خاطر که مادر شاه سلطان حسین، «سرای فتحیه» که هم‌اکنون به جای آن میهمان سرای عباسی ساخته شده است.

همچنین «بازارچه بلند» را وقف این مدرسه کرده تا منافع آن‌ها به مصرف مدرسه و طلاب آن برسد (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۴۵). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترش حوزه علوم دینی، این مدرسه نیز از حیث دروس حوزوی فعال‌تر شد و به مدرسه امام جعفر صادق (ع) موسوم گردید.

۵. موقوفات مدرسه و موضوعات وقف نامه آن

در گوشه و کنار اصفهان و مناطق اطراف آن و حتی نواحی دیگری مانند: قم، کاشان، چهارمحال و کهگیلویه و ... کم و بیش وقفیاتی به نام این مدرسه وجود داشته است که عواید آن‌ها صرف بازسازی مدرسه و تأسیسات آن و امور مربوط به طلاب و مدرسان این نهاد آموزشی می‌شده است. غیر از کاروانسرای مادر شاه که در حال حاضر «مهمانسرای بزرگ عباسی» است و نیز بازارچه بلند که هر دو از جانب مادر شاه سلطان حسین صفوی وقف مدرسه بوده است، برخی موقوفات دیگر این مدرسه هنوز باقی است که خرج مدرسه می‌شود که از آن جمله می‌توان از مزرعه باغ‌ملک در چهارمحال و مزرعه‌ای در احمدآباد کاشان نام برد (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۱۳۶). برخی دیگر از بانوان عصر صفوی در ایجاد مؤسسات علمی، فرهنگی و مراکز عام‌المنفعه و یا امور خیر نقش مؤثر داشته‌اند که تعداد بسیاری از آن در طی گذشت زمان از بین رفته و تعداد محدودی برجای‌مانده که عبارت‌اند از: مسجد حاجیه شاه خانم- سنگاب‌های شاه میرخانم- مسجد زهرا خانم (مسجد الزهرا «س»)

۱.۵. مسجد حاجیه شاه خانم

شاه خانم، دختر میرزا احمدبیک نمکی از زنان خیر و نیکوکار زمان سلطنت شاه‌عباس دوم صفوی بوده است. این بانو خود را از اعقاب خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۰۸-۴۸۵ ه. ق) دانسته که این موضوع در سنگ‌نوشته‌ای به خط نستعلیق برجسته به انضمام میزان وقفیات مقررشده توسط او برای مسجد، در مسجد منسوب به او نصب‌شده است. این مسجد کنار میدان قدیم اصفهان و در کوچه معروف به نمکی واقع شده است (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۴۶-۱۴۵).

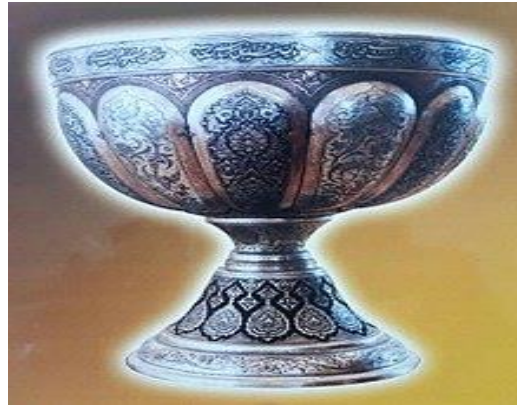


تصویر ۶: تصویر مسجد حاجیه خانم. در اصفهان. مربوط به دوره صفوی. منبع (نگارنده)

۲.۵. سنگاب‌های شاه میرخانم

در عصر صفوی گاهی یک زن سعی می‌کرد، هرچند با وقف یک سنگاب، در امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت کند که این مسئله را در برخی عمارات و ابنیه آن زمان می‌توان مشاهده نمود. از جمله زنان خیر دوره صفوی بانویی است به نام شاه میر (شاهمر) که دختر حاج میرزا علی جزئی بُرخواری بوده است و در حال حاضر تنها اثر برجای‌مانده از وی، سنگابی است که در صحن امامزاده اسماعیل واقع در خیابان هاتف اصفهان قرار دارد. این سنگاب بسیار ظریف و زیبا، تاریخ‌دار است و بر روی آن با خط ثلث برجسته پس از صلوات بر چهارده معصوم آمده است: «وقف نمود بر آستانه

حضرت امامزاده اسماعیل (علیه السلام) این حوض را حاجیه شاه میر بنت حاج میرزاعلی جزئی بر خوارى سنه ۱۰۴۹ هـ.
(هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۰۴۹).



تصویر ۷: تصویر سنگاب شاه میرخانم. دوره صفوی. (منبع: نگارنده)

۳.۵. مسجد زهرا خانم (مسجد الزهرا)

زهرا خانم از بانوان واقف و نیکوکار اصفهان عهد صفوی بوده است و در محله احمدآباد اصفهان مسجدی ساخته که آن را زهرا خانم می‌گفتند (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۲۸۴). هم‌اکنون آن را مسجد الزهرا (علیه السلام) می‌نامند (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۸۸). از مشخصات بانی و زمان دقیق زندگانی او در تذکره‌های مربوط به اصفهان سخن نرفته است. درجایی این بانو را از شاهزادگان صفوی معرفی کرده‌اند و نوشته‌اند: «مجموعه‌ای اشعار از بانویی به نام زهرا خانم موجود است که در ستایش امامان معصوم (علیه السلام) می‌باشد» (همان: ۱۱۱).



تصویر ۸: تصویر مسجد زهراخانم در اصفهان. دوره صفوی. (منبع: نگارنده)

۶. انعکاس ویژگی‌های اخلاقی حضرت خدیجه در عملکرد بانوان ابنیه‌ساز صفوی

بی‌تردید بخش قابل‌توجهی از شکوفایی ساختار دینی و اقتصادی عصر صفوی، با ساختار اوقاف و درآمدهای ناشی از آن پیوندی تنگاتنگ داشت؛ زیرا دوران فرمانروایی صفویان، دوران شکوفایی و رونق موقوفات بود و صفویان از درآمد

حاصل از موقوفات شهرهای مهم و مذهبی، به خوبی در ساختار نهاد دینی، سیاسی و اقتصادی خود بهره‌برداری می‌کردند. سنت زیبای وقف، در میان ایرانیان همیشه اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته است.

این سنت در عصر صفوی پیوند عمیقی با ساختار دینی جامعه برقرار کرد. از کارکردهای ساختار وقفی یک جامعه، عدالت اجتماعی و شکوفایی ساختار آموزشی، علمی، دینی است. در عصر صفوی، تحولات ساختار وقف، بر سایر جنبه‌های حیات سیاسی و اجتماعی و ساختار دینی تأثیرگذار بود و ساختار دینی با توجه به درآمد موقوفات، در بخش اقتصادی بیشترین حضور را داشت. آنچه در این دوران بسیار حائز اهمیت بوده، حضور زنان در عرصه اجتماعی است. یکی از راه‌های ظهور حیات اجتماعی زنان، مشارکت عمیق آن‌ها در امور خیریه و عام‌المنفعه است. حضور و فعالیت زنان در این عرصه اجتماعی و مذهبی، با وجود محدودیت‌های شدید اجتماعی آن دوران، بسیار قابل توجه است. گاه این محدودیت‌ها چنان است که قانون نیز آن‌ها را از بیرون آمدن از خانه و حضور در جامعه منع می‌کند؛ ولی با این وجود زنان این عصر، به امور عام‌المنفعه و خیریه، از جمله اوقاف علاقه خاصی نشان می‌دهند.

زنان متمول جامعه عصر صفوی نقش مهمی در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود به سوی فعالیت‌های خیریه شهری از طریق اوقاف به عهده داشتند. این زنان عموماً از نفوذ خود برای امور خیریه و آبادانی در ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. به علاوه برخی از آن‌ها در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش نیز تلاش می‌کردند به طوری که تعداد بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی به همت زنان مرفه این عصر دایر شده بود.

طبیعی است که در نظام قشربندی صفویه اکثراً زنان درباری به سنت وقف جهت ثواب اخروی روی می‌آوردند. چون این زنان در مقایسه با اقدار عادی جامعه از نظر مالی از وضع خوبی برخوردار بودند، به همین علت سنت وقف در میان این اقدار از جایگاه مهم‌تری برخوردار بود و بیشتر به آن توجه نشان می‌دادند. سیاح فرانسوی عصر صفوی در مورد سنت اوقاف در این عصر می‌نویسد: «...[آن‌ها] نخست کاروانسرای را بنا و وقف سکونت رایگان و ابن‌السبیل می‌کردند، سپس گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغ بزرگی پدید می‌آوردند و آن‌ها را به اجاره وامی‌گذاشتند و بعداً مدرسه‌ای بنا می‌کردند و مال‌الاجاره ابنیه مذکور را وقف آن می‌کردند.» (شاردن، ۱۳۳۸: ۴ / ۱۳۴۰). به نوشته فیگوئروا سفیر اسپانیا اعزامی به دربار شاه‌عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای خیر و عام‌المنفعه از مردان دست و دل بازرتر بودند، به طوری که بسیاری از کاروانسراها و ساختمان‌های عام‌المنفعه از صدقات زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته می‌شد.

در ابتدا سنت وقف صرفاً به منظور ایمان قلبی و ادای فرایض مذهبی و تکالیف شرعی یا ثواب اخروی، مورد استقبال زنان متمول عصر صفوی واقع می‌شد. بعضی زنان نیز در جهت کمک به رفاه و آسایش مردم به این‌گونه اقدامات مبادرت می‌کردند. ولی اتفاق می‌افتاد که برخی زنان از طریق وقف می‌توانستند تضمینی برای جلوگیری از مصادره اموالشان توسط دولت و قوانین ارث به دست آورند. همچنین با این اقدام در مهم‌ترین امور مذهبی می‌توانستند جایگاه مهمی در امور سیاسی و سرمایه‌گذاری‌ها کسب کنند. توجه به اوقاف و امور خیریه در این دوران به حدی بود که گاهی یک زن سعی می‌کرد حتی اگر شده با وقف یک سنگاب، در امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت کند. یکی از مهم‌ترین زنان واقف عصر صفوی زینب بیگم بود. او چهارمین دختر شاه‌طهماسب اول صفوی، عمه شاه‌عباس اول و مقتدرترین زن خاندان دربار او بود. این بانو بناها، راه‌ها و پل‌ها و کاروانسراها و بیمارستان‌های متعددی از خود به جای گذاشت. از آن جمله کاروانسرای در راه قزوین به ساوه ساخت که به کاروانسرای بیگم معروف بود. دلاواله می‌نویسد، این بانو به شدت مراقبت داشت که تمام ملزومات زندگی در این کاروانسرا بی‌نقص باشد (دلاواله، ۱۳۸۴: ۴۳۵).

اسکندریک نیز او را زنی خیر و بلندنظر در طول حیاتش معرفی می‌کند و می‌نویسد، بازار امیر چخماق یزد را وقف مزار خویش کرد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۳/ ۴۰۵). بنا به نوشته تاریخ یزد: «کاروانسرای عالی امیر چخماق... در هیچ دیار مثل آن نیست... قریب سی و پنج صفه و گنبد ساخته و در هر گنبد ایوانی متصل به آن و حوضی وسیع از مرمر تراشیده و آب خیرآباد دهوک در آن جاری کرد» (جعفری، ۱۳۴۳: ۱/ ۱۰). زینب بیگم علاوه بر ساخت کاروانسرا مدرسه‌ای را نیز به نام خود در نزدیکی محله چرخاب و چهارسو بنا کرده بود که پس از ویرانی آن با صلاح‌دید علمای مذهبی از مصالحش در بنای مسجد رحیم‌خان استفاده کردند. علاوه بر آن حمام سه سوق نیز در اصفهان توسط این بانو وقف شده بود.

از دیگر زنان واقف عصر صفوی می‌توان به مریم بیگم اشاره کرد. او دختر شاه صفی و خواهر شاه‌عباس دوم و عمه شاه سلیمان بود. او از آخرین بانوان قدرتمند عصر صفوی به شمار می‌رود و در دربار شاه سلطان حسین از اعتبار و نفوذ بسیاری برخوردار بود. نقش‌های سیاسی‌اش در دربار بسیار قابل توجه بود. از مدارس مهم عهد صفوی در اصفهان، مدرسه مریم بیگم معروف بود. مساحتش تقریباً چهار جریب و موقوفه بسیاری برای طلاب و لوازم آن معین کرده و از شهرهای دیگر از اصفهان نیز ملک خریده و وقف مدرسه کرده بود تا جایی که در تبریز و بسطام و قزوین و غیره هم موقوفه داشت.

آنچه اسناد وقفی زنان وابسته به طبقات بالای اجتماعی عصر صفوی را از طبقات عادی متمایز می‌نماید. مقدمه ادبی زیبای وقف‌نامه و همچنین به‌کار بردن القاب و عناوین متعدد برای زنان طبقات بالای جامعه آن روز می‌باشد به‌عنوان نمونه در یک سند این عبارات آمده است: «علیا جناب والا مآب عفت و عصمت دستگاه، با طهارت و صدارت انتساب، لطافت و نظافت اکتناه، ناموس المسطورات و المخدرات و نقطه مدار مرکز دایره الکرمات، تاج النسوان و زینته الخواتین، نتیجه الامراه الاعظام و اسوه الکبراء الفخام، اعنی والا منقبت، مریم خصلت، خدیجه نسبت، فاطمه طهارت، بلقیس منزلت، زهرا مرتبت، واقفه دقائق مبدأ و معاد، عارفه معارف تکوین و ایجاد، والده ماجده معظمه معززه مکرمه محترمه عالی جاه معلی جایگاه حشمت و اجالل دستگاه ابهت و ایالت دستگاه نتیجه الخوانین الفخام الکرام...». با توجه به این اسناد تأثیرات سجایای اخلاقی انفاق حضرت خدیجه (س) و انعکاس آن در بین برخی از زنان عصر صفوی به‌خوبی دیده می‌شود که برای ثواب آخرت و رسیدن به مواهب آن انجام می‌دادند.

سفیر اسپانیا در سفرنامه‌اش کاروانسرای را توصیف می‌کند که به نفقه مادر شاه‌عباس (خیرالنساء بیگم) ساخته شده بود. او معتقد است این کاروانسرا بدون شک بزرگ‌ترین منزلگاهی بود که در طول سفرش دیده بود و ساختمان آن به‌قدری بزرگ بود که با همه کثرت مسافران جاده اصفهان به‌خوبی می‌توانست همه آن‌ها را جای دهد و شاید نزدیک هزار نفر همراه با چهارپاهایشان را جای می‌داد. مدخل این کاروانسرا حیاطی بزرگ بود که بیش از صد پای مربع مساحت داشت و اطراف آن حجره‌هایی وجود داشت که به‌اندازه دو پا از زمین بلندتر بود و زنان می‌توانستند در آن محفوظ از دید نامحرمان به سر برند و در زمستان بخوابند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۹۸). دلارام خانم، مادر بزرگ یا جده شاه‌عباس دوم نیز از زنان واقف این دوره به شمار می‌رود. او مدرسی را تأسیس و موقوفاتی نیز برای آن قرارداد. مدرسه جده بزرگ در بازار اصلی اصفهان واقع بود و نهر آبی از وسط آن می‌گذشت و اطراف صحن آن کاشی‌کاری و در آن دو طبقه حجرات طلبه‌نشینی بود. زنان خیر صفوی غیر از بنای کاروانسرا و مدارس به ساخت مساجد نیز اقدام می‌کردند به‌طوری‌که مسجد ایلچی در محله احمدآباد اصفهان در دوره شاه سلیمان صفوی به‌وسیله زنی به نام صاحب سلطان بیگم ساخته شده است. بر سر در مسجد در قسمت فوقانی محراب نام این بانو ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

انفاق از بزرگ‌ترین سنت‌هایی است که اسلام به آن اهمیت داده و می‌خواهد همه شئون زندگی جامعه را به گونه‌ای منظم و مرتب نماید که ضامن سعادت دنیا و آخرت باشد. به همین دلیل این مسئله در قرآن و احادیث مورد سفارش است. با توجه به این آیات، خدیجه (س)، پانزده سال قبل از بعثت رسول خدا (ص) و در روزگاری که برای زنان بهایی قائل نبودند و از اخلاقیات خبری نبود، در اولین روز ازدواج خود، تمام اموال و سرمایه خود را در راه اهداف محمد(ص) انفاق نمود و به همگان اعلام کرد که تمامی این سرمایه و ثروت، از آن محمد (ص) است و هرگونه که بخواهد می‌تواند در آن تصرف و هزینه نماید، این عمل ارزشمند خدیجه (س) در آن موقعیت زمانی برای ارتقاء جایگاه اجتماعی محمد (ص) بسیار با اهمیت بود، زیرا در آن جامعه افرادی که ثروتمند بودند و از تمکن مالی برخوردار بودند، مردم به آنان احترام قائل بودند، چراکه محمد (ص) قبل از ازدواج از مال دنیا چیزی نداشت و خداوند به واسطه مال خدیجه (س) ایشان را توانمند نمود. بنابراین انفاق و جهاد با مال از مهم‌ترین اصول آموزشی و پرورشی در برنامه‌های اجتماعی و روش‌های اقتصادی اسلام است که خدیجه (س)، موجب گردید که زنان بسیاری در عصر صفوی به تاسی از ایشان ابنیه‌ی بسیار زیبایی را برای امور عام‌المنفعه به یادگار بگذارند. خدیجه (س) هم مال و هم جان خود را در راه خدا، با اخلاص انفاق نمودند؛ و در برابر این انفاق نه منتی بر کسی گذاشت و نه اینکه از خدا و یا رسول خدا (ص) برای خودشان مطالبه‌ای داشتند، این است که اگر ایشان را بزرگ‌ترین انفاق‌کننده در صدر اسلام محسوب نمایند، باز هم حق زحمات ایشان ادا نخواهد شد؛ و دیگر اینکه: نهاد وقف در پیشبرد اهداف متعالی بشری بسیار کارساز و یکی از مؤثرترین عوامل پیشرفت فرهنگ و تمدن مسلمانان بوده است. از مهم‌ترین عوامل فراوانی و توسعه آن تأکید قرآن کریم، شرایع اسلامی، سنت نبوی (ص) و سیره معصومین (ع) و بزرگان دین بوده است. کارنامه درخشان تمدن اسلامی به‌ویژه تحول علوم و فرهنگ اسلامی نشانگر توسعه وقف به‌ویژه در دوران سلسله‌های مقتدر و کارساز جهان اسلام بوده است؛ و این موضوع پیشرفت مراکز علمی و ترویج دانش‌ها را به دنبال داشته؛ چراکه این مؤسسات دارای پشتوانه‌های بسیار و معتبر بوده‌اند. به دنبال استقرار دولت صفویه به‌ویژه با مرکزیت اصفهان در عهد شاه‌عباس اول، نهادهای متعدد اجتماعی، فرهنگی، آثار و ابنیه و مراکز عام‌المنفعه بسیاری به دلیل توجه و اعتنای بزرگان مملکت و علما و رجال مذهبی و دولتی و بانوان آن دوره ایجاد شد که خوشبختانه نقش بانوان در این موضوع بسیار قابل توجه بوده و برخی از این آثار و ابنیه تاکنون مورد استفاده عموم به‌ویژه اهل علم بوده و هست. نقش مؤثر زنان چه بانوان منسوب به دولت‌خانه صفویان و یا بیت علما و اندیشمندان و یا عموم اصناف و جامعه، در شکل‌گیری، ایجاد و استمرار مراکز عام‌المنفعه به‌ویژه نهادهای علمی و آموزشی آن دوره تأثیرگذار بوده است. برخی از مراکز مهم علمی، آموزشی و یا تعدادی از مساجد و مؤسسات دیگر به دلیل پشتوانه‌های وقفی که به دست بانوان آن دوره ایجاد شده بود هنوز نیز پایدار و باعث برکات فراوانی شده‌اند که در این راستا می‌توان از: مدرسه دلارام خانم (جده کوچک)، حوری نام خانم (جده بزرگ)، زینب‌بیگم اردستانی (نیم آورد)، عزت نساء خانم (میرزا حسین)، مادر شاه (چهارباغ) یاد کرد.

منابع:

کتاب‌ها:

قرآن.

آنه، کلود. (۱۳۶۸). اوراق ایرانی، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.

ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۴۰۹). اسد الغابه، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- اصفهانی، راغب. (۱۴۳۰). مفردات الفاظ قرآن کریم، دمشق: دارالقلم.
- بلاغی، عبدالحجه. (۱۳۶۹). تاریخ انساب خاندان‌های مردم نائین، تهران: سپهر.
- ترکمان، اسکندریک. (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ایران، تهران: امیرکبیر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم، ایران، قم: دفتر تبلیغات.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ریاحی، محمدحسین. (۱۳۸۵). ره‌آورد ایام (مجموعه مقالات اصفهان‌شناسی)، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- ریاحی، محمدحسین. (۱۳۸۵). روضه رضوان (مشاهیر مدفون در تکیه کازرونی تخت فولاد اصفهان)، اصفهان: کانون پژوهش.
- ریاحی، محمدحسین. (۱۳۷۵). مجموعه ارباب معرفت (زندگی‌نامه حکیم متأله حاج آقا رحیم ارباب)، اصفهان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ریاحی، محمدحسین. (۱۳۷۵). مشاهیر زنان اصفهان، اصفهان: اداره کل ارشاد اسلامی اصفهان.
- جابری انصاری، حسن. (۱۳۲۱). تاریخ اصفهان و ری، تهران: ناشر عماد زاده.
- جعفری، جعفر بن محمد. (۱۳۴۳). تاریخ یزد، ج ۱، تهران: موقوفات ایرج افشار.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۵). میراث اسلامی ایران، قم: کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی. (۱۳۷۴). تحف العقول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۰۸). وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰). بانکداری، ربا در اسلام، تهران: بنیاد نشر آثار شهید دکتر بهشتی.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۵). ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- دلآواله، پیترو. (۱۳۸۴). سفرنامه پیترو دلآواله، ترجمه شعاع‌الدین، شفا، ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سیوری، راجر. (۱۳۶۳). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات سحر.
- شاردن، سرجان. (۱۳۳۶). سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
- شیخ‌الإسلامی، السید حسین. (۱۴۲۸). هدایه العلم، مؤسسه انصاریان للطباعة و النشر، قم: افق.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ایران، قم: اخلاق.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). خصال، ایران، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۴). عیون اخبارالرضا (ع)، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۴۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۰). تفسیر المیزان، قم: مؤسسه دارالعلم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله. (۱۴۰۶). مسند الامام رضا (علیه‌السلام)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فیگوئروا، دن گارسیا. (۱۳۶۳). سفرنامه دن گارسیا فیگوئر واه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۴). احسن‌الحديث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱۳۰۷). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. (۱۴۰۲). سفینه البحار، تهران: فراهانی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامی.
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، دارالتعارف للمطبوعات، مؤسسه الوفا.
مهدی پور، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). سرچشمه کوثر ام‌المؤمنین خدیجه‌ی کبری، ایران، کرج: راه و داد.
نصرآبادی، میرزا طاهر. (بی‌تا). تذکره، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۷۲). آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، اصفهان: چاپ گل‌ها.
هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم، اصفهان: چاپ ثقفی.